

در حاشیه خبر فروش اسامی

بوستان، نیمکت، درخت و... در دانشگاه فردوسی

علم بهتر است یا ثروت؟!

اسم میدون رو
زیر قیمت بهت میدم
آشنه‌های دورش هم
آشنایتون

دانشکده شیمی
دانشکده هایزنبرگ

دانشکده اقتصاد
دانشکده ب-ز

مشایی

نام میدان
جهت فروش
می باشد



رئیس مجلس: مالیات شنگین برای خانه‌های خالی شود

نه فکر به شکل و دکورش خواهیم کرد نه فکر به آسایشش خواهیم کرد نه باست و فعالیت از پدرم خالی بشود خانه پرش خواهیم کرد



وزیر نیرو: چشپاها یا یک وعده غذا هم سیرند؛ ما زیاد می‌خوریم و می‌بوئیم

داریم هم از فرط خوشی می‌میریم ممنون و خجالت‌زده نقودیم از لطف شما برادران دلسوز چیزی که نمی‌خوریم، اما سیریم



استاد احمد

هفته نامه طنز مردم مشهد هفته روزنامه چهارشنبه ۳۱ شهریور ماه ۱۳۸۸



جیک و پوک

واسه همه

باحالیات مرسی

رادیو و قبول وزیر نیرو می‌گفت ما مصرف‌گرا هستیم چشپاها یا یک وعده سیر می‌شوند راننده ندیده را عوض کرد و گفت راست می‌گه به خدا اقا این مردم به‌جای اینکه کم بخورن، کم می‌بوئن. یه خرده از وعده‌های غذایتون بزنند، بیشتر لباس بپوشید. به خدا هر وقت که یک خلم سوار ماشین می‌شه، چهارستون بنم می‌زره که تگه اتفاقی بیفته من جریمه بشم. بپار آنقدر حواسم به مسافر بود که وسط اونجا تصادف کردم تا اگه سرم بپاندیچی بود آفتابی که جلو نشسته بود، درحالی‌که سرش توی گوش‌اش ایستاده بود، گفت اگه راست می‌گه اول خودش یه وعده در روز بخوره.

راننده گفت این وزیر نیرویبه باید نیرو داشته باشه بخونه حرف بزانه این لوده‌ده هم در روز بخوره کمشه.

خامی که عقب نشسته بود، گفت: وزیر بهداشت باید دربار خورده و خوراک مردم حرف بزانه، نه وزیر نیرو.

راننده دوباره جواب داد: خب ختم دارم می‌گم دیگه این وزیر نیرویبه کی باید دربار نیروی مردم حرف بزانه؟ وزیر نیرو کارش همیشه دیگه وقتی ایشان می‌گه برای نیرو گرفتن یه وعده غذا کالیبه حتما یه چیزی می‌دونه دیگه.

آفتابی که بغل دست من عقب نشسته بود، گفت: بد نیست به‌جای این مسئولان هم یسری مسئول چینی کمصرف وارد کنیم که با روزی یه وعده بخورن سیر بشن.

راننده جواب داد: نه این چینی‌ها برای مسئول شدن خوب نیستن. درکل این چینی‌ها کمصرفن و پیر کار، اما زود خراب می‌شن. اگه این مسئولان رو با یه وعده غذا بندازی توی دست‌انداز این مملکت، بماله فرسوده و اسقاطی می‌شن.

مسئولان خودمون خیلی بادوام و شیرکارن. آفتابی که جلو نشسته بود، سرش را از گوشی بلند کرد و آه کشید و گفت: رایمید واسه همه باحالیات مرسی، خدا رو شکر پوچمون به دنیا اومد، توی اینم گنادا جقدر هم خوشگله شبیه خازجیاست.

خامی که عقب نشسته بود، گفت: ایش می‌گه مردم ایران ما خیلی دوستتون داریم. اونوقت پوچش رو گنادا یه دنیا می‌زره. راننده پشت چراغ ترمز کرد و رو کرد به عقب و گفت: حق داره ختم پوچه اون‌ها یه وعده غذا سیر نمی‌شه که مگه با یه وعده غذا می‌شه این‌قدر بالا و پایین پرید و مردم رو شاد کرد.

آفتابی که عقب نشسته بود، گفت: ختم به دل نکیر دوباره بیاد توی تلویزیون دوتا بالا و پایین بپره، عاشقش می‌شی و هر شب باهاش می‌گی ما خیلی باحالییم، خیلی.

ختم گفت: محال ممکنه من فقط دیگه عاشق عصر جدید و دکتر بشیر شدم.

من گفتم: آفتابی راننده لطفاً نگه‌دار. حالم دگرگون شده می‌خوام گلاب به روتون شکوفه بزشم.



هدف خدمت گردننه، چه اینجا چه اونجا

در این هفته آقای سیدمحمد بطحایی، وزیر آموزش و پرورش، از سمت خود استعفا کرد. دلیل این استعفا، نامنوبسی برای کاندیداتوری مجلس بیان شد. دلیلی که خیلی عجیب به نظر می‌رسید و باعث شد خیلی‌ها برای آن تحلیل‌های پیچیده‌ای ارائه دهند، ما هم تصمیم گرفتیم گفتوگویی با وزیر سابق آموزش و پرورش داشته باشیم که در ادامه می‌خوانیم.

- سلام جناب بطحایی، خیر ناگهانی استعفاتون واقعا ما رو شوکه کرد.
- سلام، تکذیب می‌کنم.
- ببخشید استعفا رو که رئیس جمهور قبول هم کرد.
- آهان راستش ما عادت داریم اولش حتما تکذیب کنیم، به لحظه حواسم پرت شد، البته مهم نیست، هدف ما خدمت کردنه، چه اینجا چه اونجا.
- اونجا منظور مجلسه؟
- ان شاء...
- آخه به نظر می‌رسید توی وزارت آموزش و پرورش هم کارهای زیادی بود که می‌تونستید انجام بدید.
- ما که اینجا خیلی خدمت کردیم، ضمن اینکه از وقتی دولت سخنگورده شده سر و صدات توی کابینه، نمی‌شه استراحت درستی داشت تا بتونیم انرژی لازم برای خدمت رو پیدا کنیم.
- اما مجلس جای خوبی برای استراحت، درسته؟
- ما که برای خدمت می‌رییم، البته به به‌رحال کلی دوست جدید و باحال اونجا منتظرماند.
- آقای وزیر، خودتون به وزارتتون چه نفرای می‌دین؟
- الان نفرای نیست دیگه، توصیفه، بعرض هم نمره «خیلی خوب» رو که ما نباید به خودمون بدیم، مردم باید نمره «خیلی خوب» رو به ما بدن.
- مثلاً این رو در نظر بگیریم که مدارس کبری مشکلاتون رفع نشده که هیچ، مدارس لاکچری هم راه افتادن.
- البته کم‌اطفی نکنین مشکل مدارس کبری حل شد و قرار شد به اون‌ها به‌عنوان جاذبه گردشگری نگاه بشه «چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید».
- مدارس لاکچری رو چی می‌گید؟
- من هم به نظر برای اردوی پاریس در این مدارس، ۵۰ میلیون خیلی زیاد بود. فکر می‌کنم با ۲۵ میلیون هم

کارتون



هفته نامه طنز مردم مشهد هفته روزنامه چهارشنبه ۳۱ شهریور ماه ۱۳۸۸

نیشن ترمزها

سختن گوی کمیسیون صنعت و معدن: ورود خودروهای فرسوده به کلان‌شهرها ممنوع شد.

وزارتنامه اسکانس - قیمت خودرو در سراسر کشور!

وزارتنامه جوان - معاون وزیر علوم: هزاران مدرک جعلی در دست مردم است.

وزارتنامه یگان حفاظت جنگل‌ها و مراتع: پولی برای استفاده از بالگرد برای اطفای حریق نداریم.

وزارتنامه باحالیات: قیمت خودرو رو گنادا جقدر هم خوشگله شبیه خازجیاست.

وزارتنامه باحالیات: قیمت خودرو رو گنادا جقدر هم خوشگله شبیه خازجیاست.

وزارتنامه باحالیات: قیمت خودرو رو گنادا جقدر هم خوشگله شبیه خازجیاست.

وزارتنامه باحالیات: قیمت خودرو رو گنادا جقدر هم خوشگله شبیه خازجیاست.

وزارتنامه باحالیات: قیمت خودرو رو گنادا جقدر هم خوشگله شبیه خازجیاست.

وزارتنامه باحالیات: قیمت خودرو رو گنادا جقدر هم خوشگله شبیه خازجیاست.

وزارتنامه باحالیات: قیمت خودرو رو گنادا جقدر هم خوشگله شبیه خازجیاست.



چرا با وجود دستور جهانگیری قیمت خودرو گاهمش پیدا نمی‌کنند؟



چرا با وجود دستور جهانگیری قیمت خودرو گاهمش پیدا نمی‌کنند؟



چرا با وجود دستور جهانگیری قیمت خودرو گاهمش پیدا نمی‌کنند؟



چرا با وجود دستور جهانگیری قیمت خودرو گاهمش پیدا نمی‌کنند؟



چرا با وجود دستور جهانگیری قیمت خودرو گاهمش پیدا نمی‌کنند؟

چنگ دل

قاسم رفیعا

سنگ چین

مجتبی

تغییر راد

ما به هم مربوطیم

در حاشیه تولد ۱۰ سالگی روزنامه شهر آرا

مثل دندان ما به هم مربوطیم
مثل تیری به کمان ما به هم مربوطیم

مثل ماهی با تون و دقیقاً همچون کولر و تابستان ما به هم مربوطیم

شهر مشهد اینجا است مثل لجه باماست و نگردد پنهن ما به هم مربوطیم

خانه آسایش ساده بی آلاش
مثل موسی و شیان ما به هم مربوطیم

شهر و شهر آرا چیست؟ هر دو گاهی آبی است گاه اما گریان ما به هم مربوطیم

مشهد آرش اما و کمان شهر آرا
آرش و تیر و کمان؟ ما به هم مربوطیم

کاش در فصل خزان صدر اعظم نالان
نرود از تهران ما به هم مربوطیم

از گل روی امام (ع) از خود خواجهمنظام
تا بهار و پسیان ما به هم مربوطیم

مثل زبیر کرمان، مشهد و عطاران
قهرمان و اخوان ما به هم مربوطیم

مثل خواب و رؤیا مشهد و شهر آرا
در تمام ایران ما به هم مربوطیم

گرچه ۱۰ سال گذشت در همان حال گذشت
بر سر یک پیمان ما به هم مربوطیم

علم بهتر از ثروت نیست... هست؟

در خیرها که خواندیم یک دانشگاه دولتی در مشهد اقدام به قیمت‌گذاری برای «فروش نام» بوستان‌ها، باغچه‌ها، لاس‌ها، راهروها و حتی درخت‌ها، بله، درست شنیدید... درخت‌های دانشگاه کرده است. ما هم مثل شما اول باور نکردیم و گفتیم این هم از آن حرف‌هاست. بعد دیدیم نه بابا، از این حرف‌هاست فقط جای شکرش باقیست که مثل برخی امور کشورمان باز هم مسئولان بعد از انتشار گسترده خیر، متوجه شدند که در جریان نبوده‌اند و این کار بدون هماهنگی انجام شده است. به نظر ما که این فروش بی‌فایده هم نیست، در نظر بگیرید:

- **حل معضل انشا:** چقدر ما از این موضوع انشای همیشگی بدمان می‌آید. بالاخره یکبار برای همیشه تکلیف دانش‌آموزان با موضوع انشای علم بهتر است یا ثروت مشخص شد و دیگر دانش‌آموزان می‌توانند با خیال راحت راستش را بنویسند. بوی پول که به مشام برسد، هیچ چیزی از سخن دوست خوش‌تر نیست. که دوست اینجا استعاره از جناب استکناست!
- **سریع در وصول مطالبات:** چنانچه دانشجویان شبانه یا بین‌المللی‌ای هستند که در پرداخت شهریه آن‌ها جور که باید و شاید اهتمام نمی‌ورزند، با این اتفاقات اخیر راه‌حل پول کردنشان کاملاً دم دست است. کافیست به گوششان برسد که گلاب به رویتان، نام سرویس‌های بهداشتی دانشگاه به‌طور

سنگ آخر

حیات شبانه نداریم، لطفا سوال نفر مایید

پلیس گفته است شبانه نداریم و صنوف نباید بعد از ساعت یک شب باز باشند.

سازمان آب: از آنجا که حیات شبانه نداریم و آب نیز مایه حیات است، پس قطعی آب در شب هم طبیعی است. تلفن‌های سازمان را اشغال نکنید.

یک مستأجر: از وقتی گفتید حیات شبانه نداریم، صاحبخانه ما می‌گوید: اگه شبها بیاید توی حیاط، باید بیشتر اجاره بدهید.

یک آدم پیگیر: حیات شبانه نداریم؟ الان روزها ما حیات داریم؟ زنده‌ایم؟ داریم زندگی می‌کنیم؟

شهرام ش: یعنی از این بعد خواندن اشعار فاخری مثل «این شبی که می‌گم شب نیست، اگه شبه مئه اون شب نیست، امشب مٹ دیشب نیست، هیچ شبی مٹ امشب نیست.» هم ممنوع است؟

یک مشتری: پس چرا شب می‌خواهیم، صبح بیدار می‌شویم، قیمت‌ها بیست سی درصد رشد می‌کنند؟ مگر قیمت‌ها توجیه نیستند که حیات شبانه نداریم؟

یک منجم: پس من هم روزها ستاره‌ها را رصد می‌کنم. یک کودک: کاش می‌شد حیات شبانه را برای کلیه‌ها ممنوع کنیم تا دچار شب‌آوردی نشوم.

یک سارق: پس چرا شبها که ما می‌خواهیم، آقا پلیسه بیداره؟ کی پاسخ‌گویم؟

یک خودروساز: کاش حیات شبانه از دم غروب تا طلوع آفتاب ممنوع شود تا لازم نباشد ما برای ماشین‌ها چراغ بسازیم. این طوری می‌توانیم چراغ ماشین را هم به عنوان آپشن بفروشیم.

یک اختلاسگر: ما که توی روز روشن هم کار خودمون رو می‌کنیم. پس به حال ما هیچ فرقی نداره.

کشف ۱۰۰۰ حلقه لاستیک دولتی احتکار شده در یک منزل مسکونی در مشهد



جناب اینا همه مال مصرف شخصی، مگه نمی‌دونین هجده چرخ‌های جدید ۱۰۰۰ تا چرخ داره؟!؟

خسته نباشین، کمک نمی‌خواین؟ چه خبره احتکار کردی؟

جلسه علنی مجلس شورای اسلامی



نه قربان، شما چند سال اون بالا تو جایگاه ریاست بودین، افتخار آشنایی نداشتیم!

شما نماینده جدید هستین؟

جلسه علنی مجلس شورای اسلامی



کی بود گفت علی آقا نیست، این جلسه رو یک ساعت زودتر تعطیل می‌کنیم؟

هییس، طبیعی باش، به روی خودت نیار.

آخ، ضایع شد، خودش اومدا!

شهر تلخ



محمد رضا میرشاهولید